

علم بود مایهٔ مجد و علا	علم دهد دیده و دل راضیا
علم دهد معنی اب حیات	چهل بود همسر زهر ممات
هر که بدانش سروکارش نیست	همچو درختیست که بارش نیست
عالم اگر شد بجهان بی عمل	هست خری مانده میان و حل

(بندرپاوی - وهاب زاده حدیدی)

❁ قطعه ❁

از بی آسایش شیخ زیا	خیل مریدان بتکا پو نگر
دیده عبرت بگشا ای فرات	کار خر و خوردن یابو نگر
	فرات

بقلم نصرت الله کاسمی

بقیه از شماره قبلی

(ادبیات خارجی)

ای خدای بزرگوار! چرا بادی و نادانی را انقدر زیاد آفریدی که عقل و تقوی از مشاهده آنها وحشت داشته باشند؟

در صورتیکه همه اشیاء روی زمین با صدای بلند احدیت و ازلیت تو را اعلام میکنند و عشق و نیرو و نیکی مهربانی بدرانه تو را مبرهن میسازند پس چرا با وجود این روی لبهای بیچارگان و مستمندان هنکامی که تو را میخوانند اینهمه آثار نومیدی و اضطراب دیده میشود؟

برای چه اینهمه عناصر متضاد در آثار خلقت وجود دارد؟

بچه دلیل جنایت خوب است؟

ای خدای عادل! مرگ برای چیست؟

هنگامی که بنی نوع انسان با اعمال خوب و بد خویش از اشتباه خطایرون می آید باید نسبت باو بسیار ترحم کنی !
 قدرت و قوت تو جاودانی است و ما همیشه ضربات سهمگین انرا حس می کنیم ولی تنها جهالت و تنبلی است که زشتیهای ما را بچشممان زیبا جاوه میدهد !
 اگر تو می خواهی بشر را در تحمل ناملایمات گیتی مطیع و صبور کنی نباید خویش را از او پنهان سازی !

اگر مخواستی تا چیزی تو لایق و قابل نزدیک شدن بتو نیست پس بگذار طبیعت تو را احاطه کند و پنهان نماید !

اگر تضرع و استدعای ما قابل این نیست که بحضرت تو برسد پس درهای آسمان را برای همیشه ببند و عظمت خویش را برای خود حفظ کن
 اما اگر آشفتنگی و تضرع نابود شدنی ما در حضرت تو قبول می افند و گاه گاهی ناله های ما را میشنوی پس این سقف معقری را که خلقت تو را پنهان کرده است در هم شکن و پرده های عالم را بیکسو نه و جمال خود را نمایش ده
 ای خدای عادل مهربان ! اگر خودت را بما بنمایانی در روی زمین جز عشق پاک و ایمان کامل چیز دیگری نخواهی دید .

تمام موجودات در مقابل تو زانو بر زمین میزنند و اشکهای که از چشمانشان جاری است مانند قطرات شبنم بخار شده باسمان میرود
 همانطور که صدای تهلل و تسبیح فرشتگان در عرش جاودانی تو طنین انداز است از موجودات زمین هم جز صدای تحمید خود چیزی نخواهی شنید
 تو خواهی دید که چگونه شك و تردید درازتیت و احدیت تو از نهب این فریادهای شوق و شغف ما برطرف میگردد ما همینطور تو را شکر میگوئیم و تقدیس میکنیم تا هنگامیکه مرگمان فرارسد در آخرین ضجه با ما هم آواز شود ! بقیه دارد